

چند نسخه تازه یاب معتزلی

هاگای بن شمای

ترجمه محمد کاظم رحمتی^۲

نظر می‌رسد بوریسف (A. Ya. Borisov) با ارجاع به یکی از این دو بخش، تلاشی برای معرفی هویت مؤلفان در مقاله اش درباره نسخه های خطی معتزلی در کتابخانه عمومی دولتی

۱. این مقاله ترجمه ای است از:

H. Ben-Shammai, A Note On Some Karaite Copies of Mutazilite writings. BSOAS, 37 (1974), pp. 295-304.

۲. کلمات عبری این مقاله را به دلیل برخی مشکلات حذف کردیم.

۳. درباره فرقه قرائیم به آثار زیر رجوع کنید:

Sabine Schmidtke, Neuere Forschungen Zur Mutazila Unter Besonderer Berücksichtigung Der Späteren Mutazila Ab Dem 4.110 Jahrhundert, Arabica, 1998, vol.45, p.405.

ژرژ وجده کتاب **المحتوی** یوسف بصیر را که از عالمان قرائیمی بوده، به چاپ رسانده است. (ظاهرأ متن این کتاب عربی باشد).

Al- Kitab al-Muhtawi de Yusuf al-Basir, Texte. Traduction et Commentaire par G. Vajda (Leiden, 1985); George Vajda, "De quelques Fragments Mutazilites En Judeo-Arabe" Journal Asiatique CCLXIV (1986), pp.1-7;

شیخ بو عمران، مسئله اختیار در تفکر اسلامی و پاسخ معتزله به آن، ترجمه اسماعیل سعادت، ص ۳۸۷-۳۹۴ (تهران، ۱۳۸۲)؛ منشه امیر، **واژه های فرهنگ یهود**، ص ۱۹۶ (تل آویو ۱۹۷۷/۱۳۵۶)؛

Isidore Epstein, Judaism: A Historical Presentation (London, 1977), pp. 186ff; El2, s.v "Karaites" by L. Nemoy and W. Zajackowski.

۴. منتخبات از این نسخه را در این جا با اجازه مسئولان کتابخانه بریتیش میوزیوم آورده ام.

5. G. Margoliouth, Catalogue of the Hebrew and Samaritan MSS in the British Mudeum, III, London, 1909-15, no. 89411-II.

سخن مترجم: قرائیم نحله یهودی متأثر از فرهنگ اسلامی، خاصه معتزله، است. این فرقه را عانان بن داود در حدود ۷۶۷م در عراق بنیان نهاد. این فرقه تنها سنت مکتوب یهودی را مبنای خود قرار داده و سنت شفاهی (تلمود) را قبول ندارد. اهمیت اصلی این فرقه در توجه آنها به سنت معتزلی و استنساخ آثار آنهاست. مجموعه ای که آقای هاگای بن شمای در این جا آن را معرفی کرده، یکی از گنجینه های مهم اسلامی است که آبرهام فرکوویچ از عالمان قرائیمی روسی (۱۷۸۷-۱۸۷۴) آنها را در راه سفر خود به سوریه، فلسطین و مصر گردآوری کرده است. در این مجموعه، نسخه های خطی کهن عربی حتی شیعی نیز وجود دارد. در ابتدای نوشتار، بن شمای به اختصار از نسخه ای از کتاب الذخیره العالم وبصیره المتعلم سید مرتضی (م ۴۳۶) یاد کرده است. آقای سید احمد حسینی این کتاب را با عنوان الذخیره فی علم الکلام براساس دو نسخه خطی (آستان قدس ۳۲۴۴ و با تصریح به نام آن یعنی الذخیره العالم وبصیره المتعلم و نسخه کتابخانه آخوند همدانی شماره ۴۶۳۵، قم، ۱۴۱۵) به چاپ رسانده است. افتادگی این دو نسخه و قدمت نسخه فرکوویچ (کتابت در ۴۷۲ق) لزوم تصحیح مجدد این کتاب را الزامی می کند. خانم اشمینکه به تفصیل از این نسخه در مقاله «نسخه ای کهن از کتاب الذخیره شریف مرتضی» (تاریخ کتابت ۴۷۲) در مجله معارف، دوره بیستم، شماره ۲، مرداد-آبان ۱۳۸۲، ص ۶۸-۸۴ سخن گفته اند. اهمیت دیگر مجموعه فرکوویچ به دربرداشتن بخش هایی تا به حال چاپ نشده از کتاب مهم المعنی قاضی عبدالجبار است که خانم اشمینکه آنها را در دست چاپ دارد.^۳

*

بخش اول

نسخه خطی or.2529 کتابخانه بریتیش میوزیوم^۴ دربردارنده سه بخش مکتوب به خط عبری توسط یهودی عرب زبانی از نحله قرائیم است. دو بخش نخست (برگ های ۱-۹۵) بر طبق نظر فهرست نگار،^۵ استنساخ هایی از کتاب های فلسفی مسلمانان در دفاع از عقاید معتزله است. نام مؤلفی ارائه نشده است. به

که در آن عبدالجبار بررسی عامی از محدوده موضوعات مرتبط براساس نظر خود در باب تکلیف آورده، و از این رو شایسته بحث در چارچوب کتاب محیط است. عناوینی که در این عبارت آمده، همان عناوینی است که شماره هفت فهرست بوریسف نشان می دهند و در دیگر بخش های محیط نیز مورد بحث قرار گرفته اند. آنچه در پی خواهد آمد، برگردان عربی این عبارت از عبری به حروف عربی است^{۱۴} (نسخه خطی بریتیش میوزیوم Or.2529، برگ ۷۱a، پاراگراف دوم، سطر ۱۵ به بعد):

إن قبل ما جملة القول فی ذلك؟ فجوابنا ان القول فيه يدور على خمسة اقسامك احدها ما التکلیف وما يتصل به. والثانی جملة المكلف وما يتصل به. ۱۵. والثالث صفة المكلف وما يختص به من الشروط، والرابع صفة الافعال التي يتناولها التکلیف وما يتصل بها. (۷۱b) والخامس ماهو الغرض بالتکلیف وما يختص به. ۱۶. ولا باب يُتکَلَّمُ فيه و يقع بين المتکلمين والفقهاء واهل الدين به خلاف الا ويرجع الى ما قدمناه. وربما اشتبه شرائط هذه الاقسام بعضها ببعض، و ذلك لايؤثر فيها نريده وربما تخلص و تميز. وربما يُظن في بعض المسائل انه لا اتصال له بما

لنینگراد انجام داده است. ۶ بوریسف در این مقاله سیزده بخش از اجزای مجموعه فرکویچ (Firkovich) را توصیف کرده است. ۷. محتویات همه این سیزده بخش دارای مشخصه واضح معتزلی است،^۸ اما تنها دو قطعه از سیزده بخش (شماره های دوم و یازدهم فهرست بوریسف) دارای عنوان هستند و نام مؤلف به صراحت آمده است: محیط تألیف عبدالجبار و ذخیره العالم و بصیرة المتعلم تألیف شریف المرتضی. برخلاف انتظار بوریسف، مقاله وی ظاهراً توجه محققان را به خود، به جز در چند ارجاع مختصر کتابشناسانه، جلب نکرد.^۹

از زمانی که بوریسف مقاله خود را منتشر کرده، منابع متعدد معتزلی به چاپ رسیده است. مطالعه معتزله به نحو اعم و عبدالجبار به طور خاص به مرحله مطلوبی رسیده است.^{۱۰} این حقیقت می تواند یاریگر تلاش مجدد برای معرفی دو بخش قرآنی در نسخه بریتیش میوزیوم، همچنین برخی از آنچه که بوریسف آنها را گزارش کرده، باشد.

بخش دوم

بدون تردید برگ های ۱-۸۸ نسخه خطی بریتیش میوزیوم به شماره ۲۵۲۹، بخشی از کتاب محیط عبدالجبار است. این را می توان با مقایسه این قطعه با جلد اول کتاب (که اکنون دو چاپ آن در دست است: یکی به کوشش عمر السید عزمی و دیگری توسط هوبن - J.S. Houben) ثابت کرد.^{۱۱} این بخش که برگ های ۱a-۳۱a، پاراگراف اول تا سطر ۱۳ را تشکیل می دهد با متن چاپی از صفحه ۳۶۸، پاراگراف، اول سطر ۱۰ به آخر چاپ عزمی مطابقت دارد (صفحه ۳۸۴، پاراگراف اول، سطر دوم از چاپ هوبن به آخر).^{۱۲}

همان گونه که اشاره شد قطعه شماره دوم فهرست بوریسف بخشی از کتاب محیط عبدالجبار است. مقایسه عناوین و فهرست مطالب این قطعه با چاپ عزمی و بخشی از نسخه بریتیش میوزیوم نشان می دهد که برگ های ۱ تا ۷ قطعه لنینگراد می باید بعد از برگ ۳۰ قرار گیرد و برابر با صفحات ۲۹۵-۳۲۶، ۳۳۴-۳۳۹ در چاپ عزمی است.

براساس آنچه در فهرست مطالب شماره هفتم فهرست بوریسف آمده، به نظر می رسد این قطعه، که ۶۵ برگ نیز هست، بخشی از کتاب محیط عبدالجبار باشد.^{۱۳} این را می توان از عبارتی در قطعه نسخه بریتیش میوزیوم استنباط کرد

6. Mutazilitskiye rukopisi Gosudarstvennoy Publichnoy Bibliotekiv Leningrade, Bibliografiya Vostoka, 8-9, 1935, pp. 69-95.

ارجاع به نسخه خطی Or.2529 در صفحه ۷۹ مقاله است.

۷. به نظر می رسد این مجموعه حاوی ذخایر ارزشمند بیشتری از تراث عربی باشد. ر. ک:

ibid., p.70, n.3.

۸. متأسفانه بوریسف تنها قطعاتی که سی برگ یا بیشتر داشته اند توصیف کرده و مجموعه های کمتر از سی برگ را نیاورده است (cf. Ibid., p.71, 78) که ممکن است اهمیت یکسانی داشته باشند.

9. F. Sezgin, Geschichte des arabischen Schrifttums, I, Leiden, 1967, p.625.

ظاهراً این اطلاع برگرفته از دائرةالمعارف اسلام (Copies)، ویرایش دوم، ج ۱، ص ۵۹ است.

10. see Sezgin, Loc. Cit., and G.F. Hourani, Islamic rationalism, Oxford, 1971, p.4, nn.1-2.

۱۱. این دو چاپ، در قاهره و بیروت (۱۹۶۵) به چاپ رسیده است.

۱۲. ارجاعات دیگر به متن چاپ شده عزمی است (به جز مواردی که متن تصحیح شده، مشکل داشته باشد).

13. cf. Borisov, p.74.

۱۴. آن گونه که ذکر شد نسخه بریتیش میوزیوم به خط عبری نوشته شده است. نسخه فاقد اعراب گذاری است و اعراب گذاری ها از من است. تغییرات دیگری که در عربی نگاری متن انجام شده، در پاورقی ذکر شده است.

۱۵. بخوانید بها؟

۱۶. درباره این بند بنگرید به: عزمی، ص ۱۱-۱۲.

قدمناه و له به اتصال . و ان احدنا^{۱۷} في هذا التفصيل يطول ويستغرق ذلك بما نذكره من الابواب ان شاء الله .

فان قيل : فاي مدخل لحكمة المكلف في هذا الباب؟ فجوابنا ان التكليف لا يشبث لولاها، ولو ثبت لكان يزول بزوال الدواعي الى تحمُّل المشقة فيها لولا حكمة المكلف، وكان لا يوثق بالمجازاة وبما هو الغرض بالتكليف.^{۱۸} فنحن اذا تكلمنا في وجه الحكمة فيما خلق الى غير ذلك فانما نشبث مائية التكليف.^{۱۹} و اذا تكلمنا في الاصلح^{۲۰} فانما نشبث ان التكليف نفضل لا واجب الى غير ذلك . [۷۲خ] ويدخل في ذلك الكلام في جملة التكليف . و اذا تكلمنا في اللطف^{۲۱} فانما نبين ما يجب لمكان التكليف . وكذلك القول في الآلام .^{۲۲} و اذا تكلمنا في الوعد والوعيد^{۲۳} فانما نشبث ما يجرى النشر ما في التكليف او ما يكون لطفاً فيه .^{۲۴} و كذلك القول في النبوات والشرائع .^{۲۵} و اذا تكلمنا في الامامة واثباتها او الكلام في الامر بالمعروف والنهي عن المنكر، فانما نشبث ما يتناوله التكليف اما عقلاً و اما سمعا . و اذا تكلمنا في القرآن والسنة^{۲۶} فهو الكلام في تثبيت طريق معرفة التكليف و ما يتصل به . وهذا القدر كاف في التنبية على ما قدمناه .

بنابر این، بر اساس محتویات، قطعه شماره هفت کاملاً منطبق با طرح کلی کتاب المحيط است. افراد و کسانی که از آنها نقل قول شده در هر دو شماره هفتم و دوم آثار فهرست بورسیف، همچنین در قطعه نسخه بریتیش میوزیوم بسیار شبیه هستند.^{۲۷} این سه قطعه مورد بحث که روی هم ۱۸۵ برگ است، تحریر قرائیمی از کتاب المحيط عبد الجبار است، غیر از دیگر قطعات کوتاه تری که ممکن است در مجموعه فرکویچ یافت نشود.

پرسشی که به سرعت در ذهن خطور می کند این است که چه ارتباطی بین تحریر قرائیمی و تحریر ابن متویه است. این پرسش به دو دلیل اهمیت خاصی دارد: نخست تحریر المحيط ابن متویه فزون تر از دیگر نگاشته های عبد الجبار، گفته های تدوین گسر آن (ابن مستویه) را دربردارد؛^{۲۸} دوم ما از خلال نقل قول هایی که یوسف البصیر، معاصر جوان تر قرائیمی عبد الجبار آورده، درمی یابیم که عالمان قرائیمی با متن اصلی کتاب المحيط آشنا بوده و از آن بهره برده اند، قبل از آن که ابن متویه توانسته باشد که تحریر خود را تمام کند.^{۲۹} با وجود تنها ۳۱ برگ از قطعه بریتیش میوزیوم که با جلد اول چاپ شده المحيط تطابق دارد،^{۳۰} به نظر می رسد بتوانیم مقایسه ای بین تحریر قرائیمی این کتاب با تحریر ابن متویه داشته باشیم:

«باب في بيان ما يتعلق بالاسماء في هذا الباب».^{۳۱} «ان قالك اتقولون ان السبب يوجب المسبب؟ فجوابنا: نعم، على طريق الاصطلاح. فاما على ما يقتضيه الاصل فلا، لان الموجب للمسبب هو فاعل السبب من حيث وقع من قدرته على هذا الحد و لانه كالموصلة والآلة. فكما لا يضاف الفعل اليها فكذلك الى السبب. فان قال: اتقولون انه مولد؟ فجوابنا قريب مما تقدم. فاما وصف المسبب بانه متولد فصحيح، سواء قيل ان السبب يولد او فاعل السبب بالسبب».

۱۷. عبارات عبری که در نسخه خطی آمده است «فان أخذنا؟» خواننده می شود، نیز بنگرید به عزمی، ص ۱۴، پاراگراف دوم، سطر ۱۳-۱۴. ۱۸. عزمی، ص ۱۸.

۱۹. بنگرید به نسخه خطی بریتیش میوزیوم (Copies)، برگ های Cop-۷۲۱es-۸۰. قرائت دقیق این عناوین را مارگلیوت آورده است ر. ک: Catalogue, p.295, n.2.

۲۰. مقایسه کنید این عنوان برگ ۴b که در فهرست بورسیف شماره هفتم است.

۲۱. نسخه خطی، Or.2529، برگ های ۲۷a-۳۳a، ۳۷b-۵۰a، ۶۶b-۶۷b.

۲۲. نسخه خطی Or.2529، برگ های ۱۵a-۲۲b، ۵۳b.

۲۳. مقایسه کنید با عزمی، ص ۱۹.

۲۴. بنگرید به پاورقی ۲۱.

۲۵. درباره عناوینی که در این جمله و عبارات بعدی آن، آمده است، بنگرید به عزمی، ص ۱۹.

۲۶. عزمی، ص ۳۰۶-۳۳۹.

۲۷. خاصه توجه گردد که کتاب الدواعی والصوارف (درباره آن ر. ک: ادامه) در هر سه اثر آمده است. بر طبق نوشته عبد الکریم عثمان، قاضی القضاة عبد الجبار، ص ۶۶، شماره ۳۲ و ص ۶۹، شماره ۵۰ (بیروت، ۱۹۶۷). این رساله که عبد الکریم عثمان، تنها منقولاتی را از آن در آثار تألیف شده بعد از وفات عبد الجبار یافته، می بایست زمانی در حدود تألیف بین المغنی و المحيط نگارش یافته باشد. کتاب المحيط به نظر می رسد که جزء آخرین آثار عبد الجبار باشد.

۲۸. بنگرید به مقدمه چاپ عزمی.

۲۹. بنگرید به عزمی، ص ۸.

G. Vajda, Revue des Etudes Juives, cxxviii, 2-3, 1969, p.172.

درباره انتساب نادرست کتاب المحيط به یوسف البصیر (توسط Steinschneider) ر. ک: بورسیف، ص ۷۴. به یادداشت بورسیف این را نیز می توان افزود که عبارت عبری که به عنوان برگردان عبری کتاب التمییز بصیر آمده، در حقیقت برگردان لقب عبد الجبار قاضی القضاة است. ابن متویه در ۱۰۷۵/۴۶۸ در گذشته است و کاملاً تردیدآمیز است که وی دیدار مستقیمی با عبد الجبار داشته باشد. درباره تحریر ابن متویه ر. ک: عزمی، ص ۸.

G. Vajda, Revue de l'Histoire des Religions, CLXIX, 2 (1966), pp. 194-5.

(مرور وجده بر چاپ کتاب المحيط توسط هوبن).

۳۰. من تا به حال نتوانسته ام، نسخه لنینگراد را ببینم.

۳۱. ر. ک: پی نوشت ۱۱.

«فان قال: افیقال انه حادث عن السبب وبالسبب؟ فجوابنا: لا، بل هو حادث من جهة القادر، فان كان بالسبب احده. فان قال: افتقولون انه محرك الاجسام باعتماد یده؟ فجوابنا: نعم. وانما یمتنع من ذلك من یقول بالجبر لان عندهم ان المتولد ان لیسه^{۳۲} بکسب بل القدیم مفرد^{۳۳} بها، حتی دعاهم ذلك الی القول بان الکسر یحلّ فی ید المرء لا فی المکسور، وكذلك القتل، الی غیر ذلك من الجهالات».

«باب فی بیان ما یتعلق بالاسماء فی هذا الباب»^{۳۴}.

«ما بتصل بالمعنی فیما نقوله فی باب التولید قد مضی. فاما الکلام فی الاسماء والعبارات التی تجری علی هذه الاسباب فقد حصل الاصطلاح منّا علی اسماء تطلق علی اسباب فتوسع بها ولو حقّقناها غ ما کان یجب ذلك نحو قولنا فی السبب انه موجب للمسبب لان الذی اوجب حصوله هو ما علیه القادر و صار السبب واسطة بینه و بین ذلك الفعل و ان کنا نمتنع من إطلاق الموجب علی الفاعل ایضاً لان طریقه الفعلیه تنافی الایجاب. فکذلك فلا یصحّ علی الحقیقه ان یقال فی السبب انه مولّد لانه من اسماء الفاعلین. ولا یقال ایضاً انه^{۳۵} حادث بالسبب، فان حدوثه هو بالقادر. بل یصحّ ان یقال احده القادر بهذا السبب او حرك المحلّ المنفصل عنه بالاعتماد او الف بالمجاورة الی ما شاکل ذلك. وانما یمتنع هذا علی قول المجرّبه لان عندهم ان فعل احدها لا یتعدی محلّ قدرته، وعلی هذا جعلوا الکسر حالاً فی الکاسر، وكذلك فیما یجری مجراه وارتکبوا بذلك الجهالات. فاما قولنا فی المسبب انه متولد فصحیح سواء جعل المولّد هو الفاعل او السبب».

نخست به نظر می رسد تحریر قرائمی نشانگر متن متفاوتی است. برای مدلل نمودن این تفاوت، مثال مختصری سودمند خواهد بود. عبارت زیر برگردان عربی شده از فصلی از تحریر قرائمی است (ستون سمت راست، نسخه خطی بریتیش میوزیوم Or.2529، برگ ۱۵a، پاراگراف دوم، سطر ۴ به بعد) که با فصل مشابه متن چاپ شده تطابق دارد (عزّمی، ص ۴۰۲ = هوبن، ص ۴۲۱).

نخستین تفاوت چشمگیر حجم مطالب است. بیشتر فصول تحریر قرائمی مختصرتر از مقداری است که ابن متویه آورده است؛ همانند مثالی که در قبل نقل کردیم. با این حال فصولی نیز هست که در تحریر قرائمی مفصل تر است. از منظر تاریخی این با اهمیت است که یکی از این فصول مطول تر تحریر قرائمی، فصلی است که به «باب فی ذکر من القدریه» نامگذاری شده

است،^{۳۶} که ده صفحه در تحریر قرائمی است، برخلاف دو صفحه ای که در تحریر ابن متویه آمده است. تحریر قرائمی این فصل، احادیثی دربردارد که در تحریر ابن متویه نیامده است.^{۳۷} از آنچه خود ابن متویه آورده، درمی یابیم این فصل در متن اصلی عبدالجبار مفصل تر بوده است، همان گونه که ابن متویه گفته است: «وقد بسط القول فی ذلك وهذا جمله ما آورده».^{۳۸} در مورد دیگر، ابن متویه حدیثی را که عبدالجبار نقل کرده، خلاصه کرده، می گوید: «وآورد فی^{۳۹} الکتاب حدیث الاصبغ بن نباته ان شیخاً قام الی علی یوم صفتین».^{۴۰} این روایت به تفصیل در تحریر قرائمی موجود است و بالغ بر یک صفحه و نیم است.^{۴۱}

۳۲. یعنی المسبب.

۳۳. یعنی فی باب التولید. عنوان آمده در تحریر قرائمی، همچنین اولین جمله این فصل، مؤیدی بر قرائت مرجع هوبن است.

۳۴. ر. ک: پی نوشت ۳۵.

۳۵. عبارات عبری در نسخه خطی به نظر می رسد معادل لیست باشد. ر. ک:

J. Blau, A grammar of mediaeval Judaeo-Jerusalem 1961, p.41f.

و (به عبری) Arabic. و ان دراصل ات است و این حاصل تبدیل پسوند عبری در حروف نگاری عربی به خط عبری است و ات را باید در ادامه کلمه المتولد دانست و بر این اساس متن اصلی باید چنین بوده باشد: ان المتولدات لیست بکسب. چنین توضیحی معنای کلمه بهار را در ادامه عبارت نیز مشخص می کند.

۳۶. برای توضیح کلمه عبری در نسخه خطی. ر. ک:

J. Blau, The emergence and linguistic background of Judaeo-Arabic, Oxford, 1965, p.180f.

۳۷. نسخه خطی بریتیش میوزیوم Or.2529، برگ ۲۵b، بند دوم، سطر ۱۵ به بعد. عزّمی، نسخه اساسی تصحیح خود را «باب فی ذکر من ذم القدریه» خوانده است، اما قرائت تحریر قرائمی مرجع است (هوبن، ص ۴۴۲ عبارت را باب ذکر من القدریه خوانده است)، چرا که مؤلف ظاهراً توجه بسیار دقیقی در معرفی قدریه مورد بحث در چند حدیث داشته است.

به این مطلب نیز باید توجه کرد که عزّمی اساس چاپ خود را بر دو نسخه خطی از چهار نسخه موجود قرار داده و ظاهراً تمام اطلاعات ناظر به اختلاف نسخه ها و عناوین مذکور را نیاورده است.

۳۸. از نظر کتاب شناسختی، تحریر قرائمی نسبت به تحریر ابن متویه رجحان دارد. در چاپ عزّمی، ص ۴۲۲، بند اول، سطر ۳ از انتهای صفحه آمده است: «وحکی [عبدالجبار] ما ذکره ابن یزید عن سفیان الثوری». در حالی که در تحریر قرائمی آمده است (برگ ۲۹b، انتها): «وقد ذکر ابوبکر محمد بن داود الاصبهانی» (درباره وی ر. ک: GAL, Supp1, 1249). عبارت فی کتاب الصائح ان سفیان الثوری ... را مارگلیوت در فهرست نسخه های خطی نیز نقل کرده است.

۳۹. عزّمی، ص ۴۲۳، بند اول، سطر هفتم.

۴۰. احتمالاً مراد متن اصلی کتاب باشد.

۴۱. عزّمی، ص ۴۲۰، بند اول، سطر ۱۸.

بسیاری از اصطلاحات و عبارات های خاص اسلامی تغییر داده نشده، بلکه به همان صورت نقل شده است^{۴۶} و این برخلاف شیوه عالمان قرائیمی علاقه مند به متون اسلامی است که در هنگام تلخیص یک متن، نخست ویژگی های اسلامی را خصوصاً حذف می کرده اند. به طور کلی متن اصلی کتاب المحیط عبدالجبار میان عالمان قرائیمی رواج داشته و دلیلی در دست نیست که بپذیریم آنها تحریر متأخر آن را پذیرفته اند. این حقیقت که این قطعات از متن اصلی باقی مانده اند، خاصه جالب توجه است، چرا که حاوی مباحثی از موضوعاتی است که می باید بخشی از اجزای المعنی باشد که گمان می شده است مفقود شده اند (بنگرید به ادامه).

آشکار است که نسخه های خطی تحریر قرائیمی که به عبری نوشته شده اند، حروف نگاری عبری نگاشته عربی کتاب هستند [یعنی کتاب به عربی و به خط عبری است]. این حقیقت موجب خواندن نادرست بسیاری از کلمات شده است،^{۴۷} فزون تر آن که به نظر می رسد بخشی از نسخه بریتیش میوزیوم صورت تحریر شده عبری متن عربی باشد، اما حداقل نسخه دوم گرچه اشتباهاتی نیز دارد که تنها با ذکر عبارت عبری آن می توان آنها را برشمرد، چون در برگ ۲۴، پاراگراف اول، سطر ۴ کلمه عبری به جای و جنود الشیطان.^{۴۸} بنابراین در هر تلاشی برای پدید آوردن متنی مقبول در چاپ انتقادی از تحریر

۴۲. نسخه خطی، برگ ۲۲b، بند اول، سطر هفت، برگ ۲۴a، بند اول، سطر ۱۷. تغییرات بسیاری از این دست را می توان ذکر کرد.

۴۳. بنگرید به نسخه شماره دوم از فهرست بوریسفا.

۴۴. عبارت بدیلی از این بخش در متن چاپ شده این متیوه (عزمی، ص ۲۸۶) نیست.

۴۵. در باره این ارجاعات و دیگر ارجاعات به المعنی ر. ک.

Borisov, Loc.Cit., and Margoliouth's Catalogue.

۴۶. بنگرید به عبدالکریم عثمان، همان، ص ۶۵، شماره ۲۷ و ص ۶۶، شماره ۳۲.

۴۷. برخی از این موارد را مارگلیوت در فهرست نسخه ها آورده است، جز یک عبارت عبری که به معنای رسول است، از سوی دیگر عبارتی چون «الرسول علیه السلام» (برگ ۳۰b، بند اول، سطر ۴) نیز تغییر داده نشده است.

۴۸. بنگرید به پی نوشت ۲۵. مثال دیگر در برگ ۲۲a، بند دوم، سطر ۱۰-۱۲ است.

قراوت درست عبارت (نیز ر. ک: عزمی، ص ۴۱۸، بند دوم، سطر ۹-۸) این است: فقال له بشرین المعتمر عند ذلك لما شنتت سهلت فان القوم انقطعوا عند جوابه و عده بشر شنة (با خواندن عبارت به این شکل، در اعراب گذاری هوبن قعد، ص ۴۳۷، بند اول، سطر ۸، غیر ضروری خواهد بود).

آن گونه که می توان به طور کلی از تشابهات دو فصل نقل شده در قبل دریافت این است که تفاوت این دو تحریر تنها در حجم مطالب نیست، بلکه در سبک نقل مطالب نیز هست. شیوه نقل روایت قرائیمی نزدیک تر به سبک کتاب شرح الاصول الخمسه قاضی عبدالجبار است که آن نیز البته حاصل فرایند باز تحریر [کتابی از قاضی عبدالجبار] است.

فزون تر آن که، تفاوت هایی در محتوای دو متن نیز هست. پرداختن به چنین تفاوت های حجمی، مطلبی فراتر از این نوشتار تذکر گونه است، اما مثال مختصری، خالی از فایده نخواهد بود. در صفحه ۳۷۱، پاراگراف اول، سطر ۲۰، متن ابن متویه (چاپ عزمی) چنین خوانده شده است: «و اذا زال انعامه زال استحقاقه للشكر والعبرة التي من شأنها ان تستحق باصول النعم». به نظر می رسد این عبارت ابن متویه بیانگر جمله مشابهی است که در تحریر قرائیمی، برگ ۳a، پاراگراف اول، سطر سوم آمده: «ثم حکم لأجل ذلك عليه بالعذاب الدائم فكيف يستحق عليه الشكر والحال هذه وذلك مخالف لنص الكتاب وإجماع الامة».

تفاوت دیگر بین دو متن در ماهیت و شیوه باب بندی است. تحریر ابن متویه به اسفار تقسیم شده، در حالی که تحریر قرائیمی به اجزا تقسیم شده که مفصل تر نیز هست. نخستین جزء تحریر قرائیمی با اسفار هفتم تحریر ابن متویه تطابق دارد و فصل نخست، سفر هشتم.^{۴۲} این را نیز باید خاطر نشان کرد که هر دو تحریر در ترتیب فصول و همچنین در عنوان گذاری باب ها با یکدیگر به طور کلی تطابق دارند.

آخرین تفاوت بین دو تحریر می تواند در شناخت هویت مؤلف تحریر قرائیمی کمک کند. در برخی جملات، مؤلف تحریر قرائیمی به چندین کتاب خود که پیشتر تألیف کرده، اشاره کرده است. در برگ ۹b، پاراگراف اول، سطر ۱۴ او می گوید: «والقول علی هذا المذهب بسطناه فی کتاب الدواعی والصوراف»^{۴۳} و در برگ ۳۵a، پاراگراف اول، سطر دوم: «وقد بیننا [!] فی جواب مسائل ابی رشید. ۴۴ این ارجاعات که به صورت شخص اول آمده، به کتاب های عبدالجبار اشارت دارد^{۴۵} که می باید مورد توجه قرار گیرد، در حالی که هیچ ارجاعی به نگاشته های عبدالجبار در جلد نخست تحریر ابن متویه وجود ندارد.

متعاقباً آن که این را می توان دید که تحریر قرائیمی نزدیک تر به متن اصلی عبدالجبار است تا تحریر ابن متویه. این را می توان فرض کرد که تحریر قرائیمی متن اصلی کتاب است چرا که

قرائیمی،^{۴۹} باید شیوه‌های نگارش عربی و عبری را مدنظر داشت. از حیث تاریخی توجه به این نکته ارزشمند است که قرائیمیان در قرن چهاردهم میلادی،^{۵۰} هنوز ضرورت مراجعه به متون معتزلی و استنساخ آنها را احساس می‌کردند، گرچه آنها قبل از آن متکلمان نومایه قرائیمی داشته‌اند که آثاری به عبری و عربی تألیف کرده‌اند، چون القرقسانی، یوسف البصیر، ابوالفرج فرقان، همدسی و دیگران.

بخش چهارم

برگ‌های ۸۹-۹۵ از نسخه خطی بریتیش میوزیوم Or.2529، بخش کوتاه‌تری است. محتویات آن به این نحو که عناوین آنها آمده (فصول شماره گذاری شده) و مؤلفان آن نقل شده‌اند،^{۵۱} همگی دلالت دارند که این قطعه بخشی از همان کتاب شماره سوم فهرست بورسیف است (یا همان نسخه).^{۵۲} فزون‌تر آن که عبارتی در نسخه ۷۳۷۳ بریتیش میوزیوم است که در فهرست نسخه‌ها نقل شده است و ممکن است سرنخی برای شناخت هویت مؤلف به دست دهد. در برگ ۸۹a، پاراگراف اول، سطر ۱۳، عبارت چنین است: «وقد تُقْصَى الكلام في هذه الطريقة في المغنى». ارجاع به المغنی و نام بردن از آن نشان واضحی است که این قطعه، بخشی از کتاب دیگر عبدالجبار است. بنابراین ما هم در نسخه بریتیش میوزیوم و مجموعه فرکوویچ ۸۲ برگ از کتابی -ظاهراً تا به حال ناشناخته- از عبدالجبار در اختیار داریم. عنوان آن را تنها می‌توان حدس زد و کتابی است که به مسائل کاملاً کلامی پرداخته و به نظر می‌رسد که کتابی منظم است و به بحث از یک موضوع خاص کلامی اختصاص یافته است.^{۵۳} این موضوع به نظر می‌رسد درباره نظریه الجواهر والاعراض به عنوان برهانی در اثبات وجود و توحید خدا باشد. از حیث زمانی، این رساله بعد از وفات ابو عبدالله بصری (متوفی ۳۶۷)، آخرین استاد عبدالجبار تألیف شده، چرا که عبدالجبار از او با عبارت «رضی الله عنه» یاد کرده است.^{۵۴} این نکته با این واقعیت نیز مورد تأیید است که این کتاب می‌باید تنها بعد از نگارش اجزایی از کتاب المغنی که به همان مسائل فوق پرداخته، تألیف شده باشد،^{۵۵} که قبلاً وجود داشته است.^{۵۶}

همه این دلایل ما را به این نتیجه هدایت می‌کند که قطعه مورد بحث می‌تواند، بخشی از رساله شرح کشف الاعراض باشد.^{۵۷} براساس شاهدی از خود عبدالجبار، درمی‌یابیم که این رساله

همزمان با تألیف بخش‌های آخر کتاب المغنی و بعد از وفات ابو عبدالله بصری تألیف شده است.^{۵۸}

بخش پنجم

مشخص است تا زمانی که محققان عملاً از مراجعه به نسخه‌های معتزلی مجموعه‌های لنینگراد محروم هستند، آن منابع ارزش محدودی در تحقیقات اسلامی خواهند داشت. با این حال می‌توان نظر سودمندی از محتویات این مجموعه یافت. این بخش مقاله، تلاشی است جهت معرفی برخی اجزای معتزلی مجموعه فرکوویچ؛ گرچه این تلاش منحصرأ مبتنی بر فهرست عناوینی است که با نهایت دقت در توصیفات بورسیف آمده است. سه قطعه از قطعاتی را که در آن‌جا معرفی شده‌اند با اطمینان می‌توان اجزایی از المغنی دانست و بخش چهارم نیز احتمالاً می‌تواند از همان کتاب باشد.

قطعه شماره نخست در فهرست بورسیف (۱۳۱ برگ به عربی) بخش‌هایی از جلد یازدهم و دوازدهم المغنی است و تقریباً به این ترتیب که برگ‌های ۴۲b-۵۲b با صفحات ۵۱۶-۵۱۹، ۵۲۳-۵۳۱ از جلد یازدهم چاپی؛ برگ‌های ۵۳a-۷۱a، ۷۱b-۱۱۳a، ۳a-۵b، ۳۲b-۳۸b و ۳۹a-۴۲a با صفحات ۳-۳۵، ۴۱-۱۲۶، ۲۲۰-۲۲۹، ۳۰۶-۳۲۴، ۳۴۷-۳۵۷ جلد دوازدهم چاپی و برگ‌های ۱۲۴a-۱۳۱b تا حدی با فصولی که در صفحه ۱۶۶، ۱۸۲، ۲۰۸ و ۲۰۹ جلد دوازدهم آغاز شده، تطابق دارد.

قطعه شماره ششم (۳۳ برگ به عربی) اجزایی از جلد ششم المغنی را دربر دارد که حدوداً به این ترتیب است: برگ‌های ۱۳b-۱۵b، ۴a-۱۰a، ۱۶a-۳۳b که با صفحات چاپی جلد ششم ۷-۸، ۱۳-۴۷ و ۱۷۷-۲۰۹ تطابق دارد. این که از کتاب

۴۹. که به دقت در برگ ۲۶a، بند اول، سطر دوم استنساخ شده است.

۵۰. من قصد انجام چنین کاری را در آینده‌ای نزدیک دارم.

۵۱. تاریخ نسخه بریتیش میوزیوم براساس فهرست نگار در فهرست نسخه‌هاست.

۵۲. قبلی، شماره ۸۹۴/II.

۵۳. این چندان تصادفی نیست که نسخه بریتیش میوزیوم از مسأله آغاز شده که نسخه فرکوویچ پایان یافته است.

۵۴. یعنی همانند جوابات، امالی و آثار این گونه نیست.

۵۵. در فهرست، این مطلب دوبار آمده است.

۵۶. احتمالاً در بخش‌های اول، افتادگی‌هایی نیز باشد.

۵۷. ر. ک: عبدالکریم عثمان، همان، ص ۴۹، ۷۰ (شماره ۵۷).

۵۸. عبدالکریم عثمان، همان، ص ۶۷، شماره ۴۰.

بیشتری در این باب را ترجیح می‌کند. مجموعه‌های مختلف گزینه، بی‌تردید مطالب دیگری را نیز فراهم خواهد کرد. توصیفی که از دو تکه موجود در مجموعه گزینه در کتابخانه دانشگاه کمبریج می‌آید، مثال ساده‌ای از این دست است:

۱. نسخه خطی T-S، جعبه عربی ۱۰/۱۲، شش برگ متوالی (پشت سرهم) که هر کدام به سه قطعه تقسیم شده‌اند و دو قطعه از برگ هفتم ۱۶/۵ × ۱۳/۵ سانتی متر، ۱۹ سطر، حروف عبری. چهار عنوان خوانا عبارتند از برگ ۲b، برگ ۳b، برگ ۵b، ۶۶ برگ ۶b. رجالی که از آنها نقل شده، عبارتند از: ابوعلی یعنی ابوعلی جیبی (دوبار)؛ ابوهاشم (فرزند ابوعلی) هفت بار؛ یک بار با عنوان، یک بار نیز با عنوانی غیر از عناوین ذکر شده آمده است.

۲. نسخه خطی T-S، جعبه عربی ۱۲. ۱۴ یک بار، ۱۸ × ۱۴ سانتی متر، ۱۷ سطر، حروف عبری. یک عنوان خوانا آمده است: احتمالاً صاحب بن عباد. قائل این گفته ذکر نشده است.

بر اساس تأملات پیش گفته می‌توان ادعا کرد که حتی بعد از کشف ارزشمند نسخه‌های خطی یمنی آثار عبدالجبار، مجموعه فرکوپیج به همراه مجموعه نسخه‌های خطی عبری، هنوز می‌توانند منبع مهمی در بازسازی نگاشته‌های مکتوب گسترده عبدالجبار قرار گیرند.



التعديل و التجوير ابوعلی جیبی نقل شده یا خیر، باید نسخه خطی را دید و بررسی کرد، چرا که همین عنوان در همان مجلد المغنی نیز آمده است.

قطعه شماره سیزدهم (۹۱ برگ، به عربی) در بردارنده جلد نهم و احتمالاً مجلدی گم شده از المغنی است (بنگرید به ادامه) و تقریباً به این ترتیب است: برگ‌های ۱۰a-۱۴b و ۵۲a-۵۴a که تا اندازه‌ای با صفحات ۱۳۸-۱۶۸ جلد نهم المغنی تطابق دارد. شش عنوان دیگر در این قطعه (فصولی که حدود ۲۵ برگ است) به نوشته خود عبدالجبار آغاز جلد نهم است، ۵۹ گرچه در نسخه صنعاء نیامده است. از این رو قطعه شماره سیزدهم در برطرف کردن افتادگی بخش اعظمی از جلد نهم سودمند است. این شش عنوان در برگ‌های ۲۱b-۲۵b، ۷۰a-۷۶b و ۸۲b-۱۸۴b از نسخه شماره سیزدهم است. همچنین یازده عنوان دیگر نیز هست که بدیلی در جلد نهم ندارند.

برای قطعه نهم (۷۹ برگ به عربی)، بدیلی از مجلدات باقیمانده از المغنی نمی‌توان یافت. برخی نکات مسلم در این نسخه هست که می‌توان مجلد آن را معلوم کرد. این بخش با عبارت «تم الجزء العاشر» پایان یافته است. مهم‌ترین موضوعات آن، معیاری برای ارزیابی ایمان و کفر، طاعت و سرکشی، پاداش و مجازات است. جلد دهم و مباحث مفصل این موضوعات در نسخه‌های خطی قابل دسترس المغنی نیامده است. این ما را به این نتیجه گیری می‌رساند که این قطعه در حقیقت بخش دوم مفقود از جلد دهم است. در قبل اشاره کردیم که در قطعه سیزدهم فهرست بوریسف، یازده عنوان (فصولی که ۸۳ برگ را تشکیل می‌دهد) هست که بدیلی در جلد نهم المغنی یا در هر مجلد دیگری ندارد. از عناوین می‌توان استنباط کرد که بیشتر این فصول از مسأله قدرت و استطاعت بحث می‌کند. در کتاب المحيط به دنبال این دو موضوع، بحث تولید آمده است^{۶۰} که موضوع جلد نهم المغنی است. هیچ موضوع دیگری به این تفصیل در کتاب المغنی مورد بحث قرار نگرفته است. بنابراین اغلب این فصول می‌تواند با جلد دهم المغنی که در قطعه شماره نهم قرار دارد تطبیق گردد.

بخش ششم

در ارتباط با تاریخ مکتوبات قرائیمی، تداول وسیع کتاب‌های عبدالجبار تا قرن پانزدهم میلادی حیرت‌انگیز است. نسخه‌های قرائیمی این گونه آثار که پیشتر نیز شناخته شده بود پژوهش

۵۹. المغنی، تحقیق عبدالحلیم محمود و سلیمان دنیا، ج ۲۰، بخش دوم (قاهره، بی‌تا).

۶۰. همان، تحقیق توفیق الطویل و معید زاید، ج ۹، ص ۸-۹ (قاهره، بی‌تا) و بنگرید به:

G. C. Anawati, R. Caspar and M. el-Khodeiri, "Une Somme inédite de théologie motazilite: Le Moghni du qadi Abd al-Jabbar", MIDEO, Iv, 1957, p.297.

